

The Good News



کشف زندگی

آموزه های بنیاد ایمان مسیحی



- ۱- در جستجوی نشانه هایی از پیدایش وجود خدا زندگی را پدید آورد
۳
- ۲- شناخت ما برچه اساسی بنا شده است؟
خدا خود را بوسیله کتابمقدس میشناساند
۴
- ۳- نادیدنی ولی قابل شناخت
خدا، خالق ما خود را میشناساند.
۵
- ۴- بهترین سرنوشت
انسان عجیب آفریده شده است.
۸
- ۵- بزرگترین فاجعه تاریخ بشریت
انسان بر علیه خدا طغیان میکند.
۹
- ۶- در پایان ناامید
بشر اسیر و برده گناه است.
۱۱
- ۷- آینده ما بدون خدا
انسان بسوی نابودی ابدی روان است
۱۲
- ۸- مذهبی بودن کافی نیست.
یشوع (عیسی) مسیح تنها کلید است.
۱۴
- ۹- خدا با ما رابطه برقرار میکند
یشوع (عیسی) مسیح نشان میدهد، که او عجیب و یگانه است.
۱۵
- ۱۰- محبت خدا آشکار میشود.
یشوع (عیسی) بخاطر ما همه چیز را داد.
۱۷
- ۱۱- خواست و تصمیم من
یافتن نجات
۱۸
- ۱۲- لذت بردن از زندگی تازه
اولین قدمها در زندگی مسیحی
۲۰
- مدیریت ارتباط
۲۳

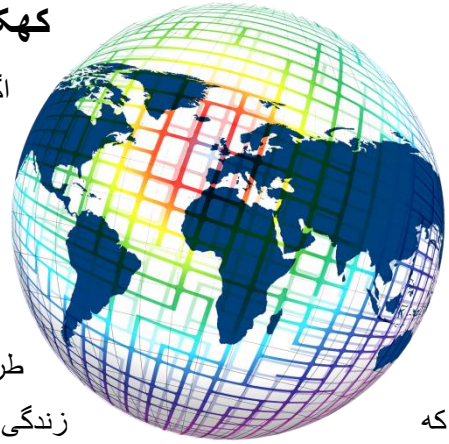
۱- در جستجوی نشانه‌هایی از پیدایش وجود خدا زندگی را پدید آورد

پرسشی که پیوسته پرسیده میشود: آیا خدا وجود دارد؟

برای این پرسش، شخص منتظر پاسخی است. آیا اینطور نیست؟ اگر خدایی نباشد، نیازی هم نیست در جستجوی او باشیم. در کتابمقدس میخوانیم: **"هر که به او (خدا) نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد."** (عبرانیان ۱۱:۶ ترجمه هزاره‌نو) با وجودیکه امکان وجود خدا را بوسیله علم بشری و طرز فکر ریاضی مآبانه نمیتوان ثابت کرد؛ ولی بسیاری از تجربه‌های ما انسانها دلیل‌هایی هستند بر وجود خدا.

کهکشانها

اگر ما زمین و کهکشانها را نتیجه تصادف و اتفاق بنگریم، پرسشهای بسیاری بر ایمان پیدا میشود که برای همه آنها پاسخی نمیشنویم و نداریم. دقیقاً در رابطه با "تئوری انفجار اولیه" نیز این مصداق صادق است و وجود دارد. ماده اولیه از کجا آمده است؟ "انفجار اولیه" قادر به پدید آوردن جرم و ماده از "هیچ" نمیتواند باشد. همچنین "تئوری ارباب انواع داروین و دوستانش" که بسیاری طرفدار آن هستند؛ نیز به ما اطمینان مطلق نمیدهند. چگونه میتوانیم مطمئن باشیم زندگی موجودات با داشتن پیچیدگی بسیار عمیقی از "هیچ" بر روی کره زمین پدیدار شده است؟ ازینرو هنوز هم همانند گذشته، از آن، سخن از "تئوری" بمیان است.



شرحی قابل فهم در کتابمقدس وجود دارد

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید." (پیدایش ۱:۱ ترجمه هزاره‌نو) جهان ما نتیجه برخورد تصادفی "زره‌های اتمی" که همیشه بوده اند" نیست، بلکه ما درک میکنیم که در پشت وجود این گیتی میباید خالق با عقلی خلاق وجود داشته باشد. **"با ایمان است که درمی‌یابیم کائنات به وسیله کلام خدا شکل گرفت، بدان گونه که آنچه دیده می‌شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد."** (عبرانیان ۱۱:۳ ترجمه هزاره‌نو) سرآغاز خلقت در خداوند یافت میشود. **"زیرا او (خدا) گفت و شد؛ امر فرمود و بر پا گردید."** (مزمور ۳۳:۹ ترجمه هزاره‌نو)

نظمی و طرحی عجیب که در طبیعت و قوانین طبیعی دیده میشود

از تمامی کهکشانها تا موجودات میکروسکوپی؛ همه و همه با نظمی شگفت آور در کنار هم قرار دارند. اما نظم بخودی خود بوجود نمیآید و قوانین طبیعی نشانگر "قانونگذاری با حکمت" هستند. **"آن خدایی که دنیا و آنچه در آن است آفرید و صاحب آسمان و زمین است در معابد ساخته شده به دست انسان ساکن نیست"** (اعمال رسولان ۱۷:۲۴ ترجمه مژده)

آشکارترین دلیل بر وجود خدا، خود بشر است

"آنگاه بیهوده خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی او نفَس حیات دمید و آدم موجودی زنده شد".

(پیدایش ۲:۲۷ ترجمه هزاره)

بشر برخلاف حیوانات دارنده وجودی است که به کلمه "شخص" معرفی میشود؛ و دارای شخصیت است. چون انسان میتواند فکر کند؛ احساس کند و خواسته و آرزو دارد. او وجدانی دارد؛ میتواند عاقلانه تصمیم بگیرد و میان خوب و بد را تشخیص دهد. او استعداد محبت کردن و علاقه داشتن را داراست. از همه مهمتر او خواست عمیقی در شناخت خدا را دارد. این صفتهای چگونه و از کجا پدیدار شده اند؟ اینها هرگز نمیتوانند بوسیله "جهش- تئوری ارباب انواع داروین" و یا اتفاقی بوجود آمده باشند. انسان موجودی اتفاقی نیست. داوود نبی، پادشاه اسرائیل در مزامیر (دعاهای سرودگونه) که در کتاب مقدس جمع آوری شده اند؛ اینچنین آنرا بیان میکند: "من تو را می ستایم، زیرا مرا به گونه ای عجیب ساخته ای، تمام کارهای تو بسیار شگفت انگیز است. من این را با تمام وجود می دانم". (مزمور ۱۳۹:۱۴ ترجمه مژده)

۲- شناخت ما برچه اساسی بنا شده است؟

خدا خود را بوسیله کتاب مقدس می شناساند

ما نیاز به پیامی قابل اعتماد درباره خدا داریم.

از شخصی به نام ایوب که زندگینامه او در یکی از کتابهای کتاب مقدس آمده است، چنین پرسیده شد: "آیا عمق های خدا را می توانی دریافت نمود؟ یا به کُنه قادر مطلق توانی رسید؟" (ایوب ۷: ۱۱ ترجمه قدیم) ایوب چگونه میباید این پرسش را پاسخ میداد؟ ما هرگز نمیتوانیم خدا را آنگونه که هست بشناسیم و نیازمند این هستیم، که او خودش را بر ما آشکار کند.

خدا خود را در طبیعت نشان میدهد.

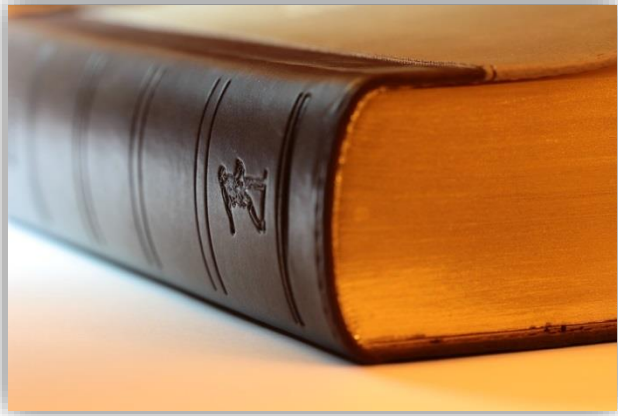
"آسمان جلال خدا را بیان می کند، و فلک از عمل دستهایش سخن می گوید". (مزمور ۱: ۹۰ ترجمه هزاره نو) تنها آسمان با داشتن نظم، چگونگی و زیبایی نشانگر خدایی است که آنرا ساخته است. در خلقت زمین ما خدا قدرت بزرگ، حکمت ناشناخته و خلاقیت کامل خود را نشان داده است. "زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می توان با ادراک از امور جهان مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست". (رومیان ۱: ۱۰ ترجمه هزاره نو)

خدا با بشر سخن میگوید.

رابطه ها بوسیله گفت و شنود تداوم دارد؛ همچنین خدا نیز با انسانها گفت و شنود داشته و دارد. **"زیرا وحی هیچگاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند"**. (دوم پطرس ۱:۲۱ ترجمه هزاره نو) در هیچ کتابی نمیخوانیم که چنین پیشگوییهای آشکاری، با قید زمان و مکان و صورت گرفتن آنها، آمده باشند. کافیسست به نامبردن "محل تولد یسوع مسیح" و پیشگویی چگونگی یک به یک وقایع مصلوب شدنش بیانیشیم. این موارد هرگز نمیتوانند تصادفی و اتفاقی باشند. خدا در تمام کتابمقدس یک هدف را پی گیری میکند: **"تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است"** (دوم تیموتائوس ۳:۱۶ ترجمه قدیم)

هیچ کتابی اینچنین قدرت تغییر زندگیها را دربر ندارد.

نشانه شاخص عملکرد کتابمقدس در تاثیرگذاری بر زندگی انسانها دیده میشود. **"ما خدا را پیوسته شکر میگوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه برآستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می کند"**. (اول



تسالونیکیان ۱:۱۳ ترجمه هزاره نو) میلیونها بلکه میلیاردها انسان در طی هزاران سال از تجربه های خود چنین شهادت داده اند: **"شریعت خداوند کامل است و جان را تازه می کند. اوامر خداوند قابل اطمینان است و ساده دلان را حکمت می بخشد"**. (مزمور ۸:۱۹ ترجمه مزده) کسیکه میخواهد خدا را بشناسد، میباید کلامش یعنی کتابمقدس را بخواند. خدا بدینوسیله خود را آشکار میکند و به ما میگوید، که از ما چه انتظاری دارد.

۳- نادیدنی ولی قابل شناخت خدا، خالق ما خود را میشناساند.

هر کدام از ما تصویری خاص از خدا داریم. بعضی او را همانند پدر بزرگ مهربانی با داشتن ریشی بلند میندازند که اشتباه های نوه های خود را نادیده میگیرد. دیگران او را همانند سرپلیس آسمانی میانگازند. گروهی خدا را قدرتی ماورای طبیعت میدانند؛ که قابل دسترسی نیست. و خلاصه اینکه به این پی میبریم که تنها خود خداست که میتواند درباره خود مطلبی را بگوید؛ و خود را بشناساند. نمونه هایی که قید میشود و در کتابمقدس آمده است به ما نشان میدهند، که خدا چگونگی حقیقت وجودی خود را برآستی معرفی کرده و میشناساند.

خدا، غیر قابل تصور، بزرگ است.

بسیاری نکات و صفات در خدا وجود دارند که اصلاً قابل فهم بشری نیستند. " زیرا او کارهای عجیب و معجزات حیرت‌انگیز و بی‌شمار انجام می‌دهد". (ایوب ۹:۵ ترجمه مژده) خدا ورای دسترسی ماست. قدرت فهم و درک بشری قادر به عبور از این ورطه نیست. این امر نباید ما را به تعجب وادارد. چراکه اگر ما میتوانستیم به چگونگی او پی ببریم، او دیگر خدا نبود. " **خدای قادر مطلق آن قدر با عظمت است که ما حتی نمی‌توانیم تصور کنیم.** او در قدرت و عدالت بزرگ است و



نسبت به همه از روی انصاف رفتار می‌کند و بر کسی ظلم نمی‌کند. بنابراین همهٔ انسانها از او می‌ترسند و او به کسانی که ادعای حکمت می‌کنند توجهی ندارد". (ایوب ۲۴ - ۲۳ : ۳۷ ترجمه مژده)

خدا یک شخص است.

خدا یک چیز نیست. او یک قدرت و یا یک فکر نیست. اینکه او فکر میکند، احساس دارد، آرزو دارد و عمل میکند، نشان می‌دهد که او شخصیتی زنده است. اما او تنها وجودی نیست که تنها "آن بالاها" و یا "خدای مهربان" و بگونه ای "سوپرمن" باشد، بلکه " **اما تو، ای خداوند، خدای حقیقی هستی، تو خدای زنده و پادشاه ابدی هستی.**" (ارمیا ۱۰:۱۰ ترجمه مژده)

خدا ابدی است

خدا آغازی و پایانی ندارد. با کلمه های کتابمقدس این صفت او چنین بیان میشود: " **پیش از آن که کوه‌ها را بیافرینی و زمین و جهان را به وجود آوری، از ازل خدا بوده‌ای و تا ابد خدا خواهی بود.**" (مزمور ۹۰:۲ ترجمه مژده) زمانی که خدا در آن وجود نداشت، هرگز نبوده و نخواهد بود. خدا خودش را معرفی میکند: خداوند خدا می‌گوید: " **مَنْ "الف" و مَنْ "ی"؛ مَنْ آن که هست و بود و می‌آید، آن قادر مطلق.**" (مکاشفه ۱:۸ ترجمه هزاره نو) و او همیشه همان میماند. " **عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.**" (عبرانیان ۱۳:۸ ترجمه هزاره نو) خدا همانطور که بوده، همانطور همیشه بودنیست.

خدا بدون وابستگی است.

هر موجودی به سایر موجودات، وضعیتها و در خاتمه به خدا وابسته است. اما خدا کاملاً بدون وابستگی به خلقتش است. " **دستان بشری نمی‌تواند خدمتی به او بکند، چنانکه گویی به چیزی محتاج باشد، زیرا خود بخشندهٔ حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است.**" (اعمال ۱۷:۲۵ ترجمه هزاره نو)

خدا عادل است.

کتابمقدس میگوید: " با وجود این خداوند آماده است که بر شما رحم کند. او حاضر است بر شما شفقت کند، چون همیشه آنچه را که درست است، انجام می‌دهد. خوشا به حال کسانی که به خداوند توکل می‌کنند". (اشعیا ۱۸: ۳۰ ترجمه مژده) اما خدا نه تنها خالق و نگهدار ماست، بلکه قاضی ما نیز هست. "سلطنت او بر عدالت و انصاف استوار است". (مزمور



۹۷:۲) او در زمان و ابدیت جزا و پاداش دهنده است؛ با کمال و عدالت غیر قابل بازگشت.

خدا قدوس است.

" ای خداوند، کدام یک از خدایان مثل تو هستند؟ کیست مانند تو عجیب در قدوسیت؟ و چه کسی می‌تواند مانند تو معجزات و کارهای عجیب بکند؟" (خروج ۱۱: ۱۵ ترجمه مژده) قدوسیت خدا قابل مقایسه نیست. " مثل یهوه قدوسی نیست، زیرا غیر از تو کسی نیست، و مثل خدای ما صخره ای نیست". (اول سموئیل ۲: ۲ ترجمه قدیم) خدا کاملاً از خطا و ضعف مبرا است. و این خدای قدوس از همه ما می‌خواهد که ما نیز مقدس باشیم. این خواست او در کتابمقدس ضبط و نگهداری شده است: "زیرا مکتوب است، مقدس باشید زیرا که من قدوسم". (اول پطرس ۱: ۱۶ ترجمه قدیم)

خدا دانای مطلق است.

دانش خدا کامل است. " و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است، برهنه و منکشف می‌باشد". (عبرانیان ۴: ۱۳ ترجمه قدیم) خدا به همه چیز آگاه است. آنچه در گذشته بوده؛ آنچه در حال انجام می‌گیرد و آنچه در آینده خواهد شد؛ همه فکرها، همه کلمه ها و عملکردها. حکمت او کامل است و ورای درک ما است. " و ه که چه ژرف است دولت و حکمت و علم خدا؛ تقدیرهای او کاوش‌ناپذیر است و راه‌هایش درک‌ناشدنی". (رومیان ۱۱: ۳۳ ترجمه هزاره نو)

خدا قادر مطلق است.

" من خداوند، خدای تمام انسانها هستم. چیزی نیست که من قادر به انجام آن نباشم". (ارمیا ۲۷: ۳۲ ترجمه مژده) این بدان معنی نیست که خدا هر کاری را میتواند انجام دهد. مثلاً او نمیتواند دروغ بگوید و یا نسبت به وجودش خیانت کند. او نمیتواند اشتباه کند؛ او نمیتواند گناه کند و یا خود را انکار کند. اما خدا میتواند هر کاری را انجام دهد که با طبیعت الهیش هماهنگ است.

خدا محبت است.

این مطمئناً زیباترین و مهمترین است. " زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود". (یوحنا ۳:۱۶ ترجمه مژده) خدای پدر در پسرش، که با پدر یک است؛ زندگی خود را برای ما انسانها داد. بالاتر از این وجود ندارد که شخصی زندگی خود را برای دیگران قربانی کند. این والاترین شکل محبت خدایی بود که او نشان داد؛ نه در تئوری بلکه در عمل آنرا به کمال نشان داد.

۴- بهترین سرنوشت انسان عجیب آفریده شده است.

ما انسانها در جستجوی هدف و غایت زندگی هستیم.

چرا وجود داریم؟ از کجا آمده ایم؟ آیا "زندگی" ما هدف و غایتی دارد؟ در آغاز میباید بپذیریم، که ما نه تنها وجود داریم و موجود زنده هستیم؛ بلکه ما بیشتر از انباشته ای از اتمهای کنار هم چیده شده ایم. کتابمقدس به ما میگوید، که ما بوسیله خدایی حکیم و مقدس آفریده شده ایم. "پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید." (پیدایش ۱:27 ترجمه قدیم) شاید در مقابل خورشید و ماه وستارگان خود را بسیار اندک و کوچک احساس کنیم، ولی خدا مقامی یگانه و مخصوص برای ما قائل شده است.

ما بسیار بیشتر از حیوانی پیشرفته هستیم.

از این میتوان آنرا بشناسیم، که ما انتخاب آزاد برای ترسیم و شکل دادن زندگی خود را داریم: "و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید". (پیدایش ۱:28 ترجمه قدیم) ما انسانها بر روی زمین در مقام مباشر خدا قرار داده شده ایم؛ تا با مسئولیتی که به ما داده شده است، برنامه ریزی زندگی خود و سایر موجودات زنده را نظارت کرده و مطابق خواست خدا به انجام برسانیم.



ما ارزش و مقام خاصی دریافت کرده ایم.

در مقام "شبیبه خدا" خلق شدن؛ بدین معنی نیست که خدای کوچکی و یا کپی خدا با صفت‌های کوچکی از او باشیم. بلکه این بدان معنی است که مقرر شده ایم تا با خدا مشارکت و رابطه داشته باشیم. مثلاً ما میتوانیم در دعا، که گفت و شنود با خداست، با او رابطه داشته باشیم. در سرآغاز تاریخ بشریت، انسان با هماهنگی کامل با خدا و با محبت به یکدیگر زندگی میکرد.

در آن زمان "مشکل شخصیتی" وجود نداشت.

نه تنها ما انسانها با بودنمان بر روی زمین "خشنودی کامل" را داشتیم؛ بلکه خدا هم از ما خشنود بود. اینرا میدانیم چون کتابمقدس آنرا برایمان حکایت میکند؛ و اینکه بعد از آنکه خداوند انسان را خلق کرد، همه چیز کامل و نیکو بود. **"و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود"**. (پیدایش ۱:31 ترجمه قدیم) تا زمانیکه در باغ عدن بشر به فرامین خدا اطاعت میکرد، او با خوشحالی و آرامش و با هماهنگی با خدا زندگی میکرد. بشر میدانست که کیست و برای چه بر روی زمین زندگی میکند. اما چگونگی زندگی امروز ما، کاملاً خلاف آن بوده و بگونه دیگریست. اما این وضعیت چرا اینگونه است؟ چه اتفاقی افتاده است؟

۵- بزرگترین فاجعه تاریخ بشریت انسان بر علیه خدا طغیان میکند.

بزرگترین فاجعه ای که ما انسانها تجربه کرده ایم چیست؟

بسیاری از تئوریهای روزنامه ها و یا در رادیو و تلویزیون به ما یادآور میشوند، که دنیای ما نظم و هماهنگی خود را از دست داده است. جنگ و جدال و بی عدالتی بر جوامع ما حکومت میکنند. اما قبل از آنکه بخواهیم دیگران را محکوم کنیم، میباید در آغاز، درباره ریشه و بنیاد آن آگاهی پیدا کنیم. در کتابمقدس به ما گفته میشود: **"پس، همانگونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدینسان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند"** (رومان ۵:۱۲ ترجمه هزاره نو)

خدا تنها یک چیز را ممنوع کرده بود.

اجداد ما انسانها (آدم و حوا) در آزادی کامل زندگی میکردند. **"و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: «تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زهار مخوری، زیرا روزی که از آن خوردی بهیقین خواهی مرد.»"** (پیدایش ۲:۱۶ و ۱۷ ترجمه هزاره نو) بدینگونه خدا می خواست ما را امتحان کند تا ببیند، آیا اعتمادی را که به ما دارد و به ما آزادی انتخاب را داده است؛ سزاوار آن عمل خواهیم کرد. اما شیطان، حوا و سپس آدم را گمراه کرد؛ تا به گفتار خدا اعتماد نکنند و برخلاف خواست او عمل کنند. **"چون زن دید که آن درخت خوش‌خوراک است و چشم‌نواز، و**

درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد." (پیدایش ۳:۶ ترجمه هزاره نو)

در این لحظه گناه وارد جهان شد.

بوسیله ناپاطعتی آگاهانه، آدم و حوا، خود را از خدا جدا کردند. ناگهان دیواری جداکننده ما بین خدا و انسان پدیدار گشت. بجای اینکه خدا را دوست داشته باشند، حال آنها از او میترسیدند. "و صدای یهوه خدا را شنیدند که در خنکی روز در باغ می‌خرامید، و آدم و زنش خود را از حضور یهوه خدا در میان درختان باغ پنهان کردند." (پیدایش ۳:۸ ترجمه هزاره نو) بجای اطمینان، رضایت و خوشبختی، حال بوسیله



گناهشان، ترس وجودشان را تصرف کرده بود.

جدایی نتیجه آن شد.

خدا به بشر گفته بود که به محض بی اطاعتی رابطه اش را قطع خواهد کرد؛ و اینگونه هم شد. بدینگونه در آن لحظه وحشتناک ما از خدا جدا شدیم و از نظر روحانی مردیم. نتیجه، از آنزمان بشر و همه موجودات، مردنی شده و زمین و زمان زیر غضب خدا قرار گرفت. دانستن این نیز مهم است که آدم و حوا طبیعت زندگی گناه آلود خود را به فرزندانشان و به ما به ارث گذاشتند؛ و این ارث را تا امروز به همراه داریم. "پس، همانگونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدینسان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان ۵:۱۲ ترجمه هزاره نو)

به کلمه "همه" دقت کنید. در این امر همه ما شامل آن هستیم. همه ما گناهکاریم و همه ما خواهیم مرد. اگر بگوییم بی‌گناهییم، خود را فریب داده‌ایم و راستی در ما نیست. (اول یوحنا ۱:۸ ترجمه هزاره نو) زندگی روزانه ما دلیل بر این حقیقت است و کتابمقدس حقیقت را بیان میکند.

آیا بگونه ای که خدا میخواهد زندگی میکنیم؟

آیا همیشه حقیقتگو بوده اید؟، پر از محبت و فداکار – یعنی کامل و بی گناه؟ خدا پاسخ این پرسش را میداند و شما هم همینطور. اگر صادق باشید، شما هم به این اعتراف خواهید کرد. "همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا محرومند." (رومیان ۳:۲۳ ترجمه مژده) هر انسانی گناهکار است؛ از زمان تولد، طبیعت به ارث برده، بر اساس عملکرد خود و بوسیله تصمیم شخصی گناهکار هستیم. شما نیز میباید این واقعیت و نتایج آنرا پذیرا باشید.

۶- در پایان ناامید بشر اسیر و برده گناه است.

بدون نجات و گمشده

هر گاه بیماری تشخیص داده میشود، میپرسیم آیا بیماری بدی است؟ دقیقاً این پرسش را میباید در رابطه با "بیماری روحانی" یعنی "گناه" پرسید. ممکن است که ما اعتراف کنیم که گناهکاریم. شاید به این دلیل که مفهوم آنرا نمیدانیم و یا به نتایج آن آگاه نیستیم. اغلب به این فکر میکنیم که هیچکس طبیعتاً کامل نیست؛ و یا خود را در پشت این سخن که "بشر جایز و الخطاست" پنهان میکنیم. اما با این افکار از پاسخ راستین می‌گریزیم. در واقعیت امر وضعیت حقیقی ما چگونه است؟ کتابمقدس به ما پاسخ راستین را میدهد.

کتابمقدس میگوید که ما در حقیقت امر "بد" هستیم.

این بدان معنی نیست که ما نمیتوانیم کارهای خوب انجام دهیم. اما بر ما روشن میکند که گناه همه جوانب زندگی انسان را تحت تاثیر خود قرار داده است (فکرکردن، احساسات، خواستها، وجدان و تصورات). **"کیست که بتواند دل انسان را درک کند؟ چیزی فریبنده‌تر از آن نیست، و آن به حدی بیمار است که علاجی برای آن وجود ندارد."** (ارمیا ۹: ۱۷ ترجمه مژده) علت این مشکل این نیست که در این یا آن وضعیت چه کاری کرده ایم و شاید میبایست عذرخواهی کنیم. بلکه مشکل "آنچه هستیم" میباشد. ما انسانها همیشه و پیوسته گناه میکنیم؛ چون بوسیله طبیعت گناه آلود خود به گمراهی کشیده میشویم. **"چون افکار بد، از دل بیرون می‌آید یعنی فسق، دزدی، آدمکشی، زنا، طمع، خباثت، فریب، هرزگی، حسادت، تهمت، خودبینی و حماقت"** (مرقس ۷: ۲۱ و ۲۲ ترجمه مژده)

در دیدگاه خدا هر گناهی طغیان و

شرارت است.

با دقت به این کلام نگاه کنیم که افکار، کلام و عملکرد بشر را برمی‌شمارد. گاهی تصور خود را در رابطه با گناه، محدود به قتل و یا دزدی میکنیم. اما کتابمقدس به ما هرگز چنین حقی را برای فهم گناه نمیدهد. همه آنچه در محدوده معیار خدا نمیگنجد، گناه است. هر آنچه ناقص در گفتار، کردار و پندار است؛ "گناه" نامیده میشود. و حال صادق باشید: **"چه کسی میتواند**



بگوید که دل خود را پاک نگاه داشته‌ام و بی‌گناه هستم؟" (امثال ۲۰: ۹ ترجمه مژده) آیا شما میتوانید؟

"گناه" طغیان بر علیه حکومت خدا و قوانینش میباشد.

"هر که گناه کند، قانون خدا را می‌شکند، زیرا گناه چیزی جز شکستن قانون نیست." (اول یوحنا ۳:۴ ترجمه مژده) هیچ قانونی ما را مجبور نمیکند دروغ بگوییم، کلاهبرداری کنیم، افکار پلید داشته باشیم و یا گناه دیگری مرتکب شویم. شما خودتان تصمیم به این کارها میکنید. هر گاه نظم خوب و کامل الهی را برهم میزنیم، بدین وسیله آگاهانه به خدا بی احترامی میکنیم. این امر شرورانه را خداوند بدون مجازات نخواهد گذاشت. "خدا داور عادل است..." (مزمور هفتم آیه یازده ترجمه هزاره نو) خدا هرگز از گناه چشم پوشی نمیکند. ما میباید مطمئن باشیم که هر گناهی بدون جریمه نمی ماند. اغلب قسمتی از جریمه الهی را در همین زندگی میبینیم. اما جریمه و محکومیت نهایی بعد از مرگ اعلام گشته، و در زمان رستاخیز اجرا خواهد شد. "پس هر یک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد." (رومیان ۱۲:۱۴)

۷- آینده ما بدون خدا

انسان بسوی نابودی ابدی روان است

ما تصورات بسیاری درباره آنچه بعد از مرگ ممکن است اتفاق بیافتد، داریم. بعضی معتقدند که همه چیز تمام میشود؛ دیگران میگویند که همه ما به بهشت میرویم؛ گروهی دیگر ایمان دارند که ارواح گناهکاران به جایی برده میشوند تا شستشو داده شوند و برای جهان ابدی آماده بشوند. اما در کتابمقدس هیچکدام از موارد بالا به ما گفته نشده است.

گفتار خدا کاملاً مغایر و البته شفاف است.

"همانگونه که برای انسان یک بار مردن و پس از آن داوری مقرر است" (عبرانیان ۹:۲۷ ترجمه هزاره نو) کسیکه در رابطه درستی با خدا قرار دارد، به آسمان (بهشت مسیح) برده خواهد شد؛ تا ابدیت را در حضور پر جلال خدا بسر برد. برای سایرین مکانی دیگر در ابدیت وجود دارد. "جزای ایشان هلاکت جاودانی و دوری از حضور خداوند و محرومیت از جلال قدرت او خواهد بود" (دوم تسالونیکیان ۱:۹ ترجمه هزاره نو) کتابمقدس این مکان و وضعیت را "جهنم" می نامد.

جهنم در واقعیت امر وجود دارد.

کلمه و مفهوم جهنم بوسیله کلیسا و یا ادیان خلق نشده است. کتابمقدس حتی درباره جهنم بیشتر از بهشت سخن میگوید. زمانی یسوع (عیسی) مسیح از خدا پرستان زمانش پرسید: "ای ماران! ای افعی زانگان! چگونه از مجازات جهنم خواهید گریخت؟" (متی ۲۳:۳۳ ترجمه هزاره نو) با این پرسش، او نمیخواست به آنها توهین و یا آزار برساند. در جایی دیگر، یسوع میگوید: "به شما نشان می‌دهم از که باید ترسید: از آن که پس از کشتن جسم، قدرت دارد به دوزخ اندازد. آری، به شما می‌گویم، از اوست که باید ترسید." (لوقا ۱۲:۵ ترجمه هزاره نو)

جهنم مکانی وحشتناک است.

تصویرهای بسیاری وجود دارد که این محل را ترسیم میکنند. تصاویر، محلی را از درد و رنج نشان میدهند که در آن ظلمت و آتش دیده میشوند. **"و آنها را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود."** (متی ۱۳:۴۲ ترجمه هزاره نو) اینها سخنان سختی هستند؛ اینها نه تنها حقیقتند بلکه واقعیت نیز دارند. انسانهایی که در آنجا بسر میبرند زیر غضب و لعنت خدا هستند. در آنجا هیچ چیز خوبی وجود ندارد؛ در آنجا یاری و مساعدتی وجود ندارد.



جهنم آخرین مکان است.

از جهنم راهی به بیرون و یا بازگشت وجود ندارد؛ و راه توبه دیگر وجود ندارد. از آنجا نمیتوان فرار کرد. این بدان معنیست که انسان بعد از مرگ نمیتواند از جایی به جای دیگر انتقال یابد: **"از این گذشته، بین ما و شما پرتگاهی هست؛ آنان که بخواهند از اینجا نزد تو آیند نتوانند، و آنان نیز که آنجا نرسند نتوانند نزد ما آیند."** (لوقا ۱۶:۲۶ ترجمه هزاره نو) وحشت، تنهایی و رنج جهنم برای تعلیم و یا تربیت انسان نیستند؛ بلکه محکومیت ابدی که نتیجه گناه است.

جهنم مکانی است که خود شخص انتخاب کرده است.

"با سختدلی و بی میلی خود نسبت به توبه، عقوبت خود را تا روز ظهور غضب خدا و داوری عادلانه او پیوسته شدیدتر می سازی. زیرا خدا به هر کس بر حسب کارهایی که کرده است، پاداش یا کیفر خواهد داد." (رومیان فصل دوم آیه های ۵ و ۶ ترجمه مژده) در جهنم و یا در بهشت مسیح، تنها افرادی وجود دارند، که خود انتخاب کرده اند تا آنجا باشند. خشم خدا بر آنانی افروخته میشود که یسوع مسیح را در زمان زندگیشان نپذیرفته اند و مطیع بی عدالتی شده اند. آنها نقشه نجات خدا را نپذیرفته و میخواستند بدون او زندگی کنند. خدا هم تصمیم آنها را پذیرفته است. بنابراین نمیتوان خدا را مقصر و یا ناعادل دانست.

ایجاد ترس و یا محبت؟

به مسیحیان تهمت زده میشود که با کلمه های "گناه" و یا "جهنم" میخواهند در دل انسانها ترس ایجاد کنند. چگونه میباید خدا عمل کند؟ آیا خدا میباید اجازه دهد تا انسانها بطرف بدبختی و نابودی دوان دوان روان باشند؟ آیا این دوست داشتن است؟ کتاب مقدس از انگیزه خدا سخن میگوید: **"من کسانی را توبیخ و تأدیب می کنم که دوستشان می دارم. پس به غیرت بیا و توبه کن."** (مکاشفه ۳:۱۹ ترجمه هزاره نو) اکنون زمان آن رسیده است که درباره چگونگی زندگیتان در مقابل راه جهنم و محبت خدا بیاندیشید و یکی را انتخاب کنید.

۸- مذهبی بودن کافی نیست. یشوع (عیسی) مسیح تنها کلید است.

ما موجودات مذهبی هستیم

در همه فرهنگها صدها کوشش بشری وجود دارد، تا خدا را از خویش راضی کنند. جستجوی انسان در ادیان این جهان متوجه خورشید و ماه، زمین، آتش و آب، تصاویری از چوب، سنگ و فلزات، ماهی، پرندگان و سایر حیوانات شده اند. انسانها هزاران بُت و ارواح را میپرستند. حتی در جهان ما، در قرن بیست و یکم، مثلاً پول و شهوت جنسی سریع تبدیل به بُت میشوند.

"وقتی به جمع خدایان نگاه کردم، هیچ کدام چیزی برای گفتن نداشتند، و هیچ‌یک نتوانستند به سوالات من جواب بدهند. این خدایان همه پوچ هستند، هیچ کاری نمی‌کنند. این بُتها همه ضعیف و ناتوانند" (اشعیا ۴۱ آیه های ۲۸ و ۲۹)

مذهبی بودن گناه را از بین نمیبرد.

جماعت‌های مذهبی میباید به ما یاری رسانند تا رابطه ما با خدا به هماهنگی برسد. اما آنجایی که از ما خواسته میشود که با "سعی و کوشش انسانی" به مقصد خواهیم رسید؛ وسط راه میمانیم و کوششهای ما بی اثر و بی ثمر میمانند. متأسفانه واقعیت این است که تمام کوششها برای انجام مراسم مذهبی ناقص بوده و رضایت خدا را برآورده نمیکنند. خدا طالب کمال است. بوسیله سعی و کوشش انسانی و انجام مراسم مذهبی همچون تعمید، شرکت در مراسم کلیسایی، دعا کردن، صرف قدرت و زمان و پول، همه و همه، هرگز گناهی بخشیده نمیشود.



بوسیله کارهای خوبمان، اعمال بدمان از بین نمیروند.

اگر میخواهید با خدا آشتی کنید، میباید به کلام یشوع اعتماد کنید. این نجات نتیجه کارهای شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد. (افسیان ۲:۹ ترجمه مزده)

مذهبی بودن طبیعت گناهکار بشر را نمیتواند تغییر دهد.

مشکل اصلی رفتار ما نیست. رفتار ما فقط نمادی از چگونگی طبیعت ماست. زمانی که به کلیسا میرویم و یا در مجالس مذهبی شرکت میکنیم، شاید احساس خوبی به ما دست میدهد. اما انجام این امور وضعیت نهادی ما را تغییر نمیدهند. "کیست که چیز ظاهراً از چیز نجس بیرون آورد؟ هیچکس نیست." (ایوب ۱۴:۴ ترجمه قدیم)

بسیار خوب بودن؟ - اما آن هم کافی نیست.

شرکت در مراسم پرستشی و یا خواندن کتابمقدس کارهای اشتباهی نیستند. مثلاً رفتن به کلیسا، خواندن کتابمقدس و دعا کردن کاملاً درست هستند. حتی خدا به ما ماموریت داده است تا آنها را انجام دهیم. اما انجام این مراسم و تمرینات، ما را به یک شخص مورد پسند خدا و یا یک مسیحی تبدیل نمیکنند.

۹- خدا با ما رابطه برقرار میکند

یشوع (عیسی) مسیح نشان میدهد، که او عجیب و یگانه است.

اگر کارهایمان نمیتوانند ما را نجات دهند، پس چگونه میتوانیم به حضور خدا و به بهشت او راه یابیم؟ آیا شناسی داریم؟ برای اینکه به این پرسش پاسخ دهیم، مهم است که بفهمیم، زمان مرگ مسیح چه گذشت و اینکه مرگ مسیح برای ما چه مفهومی میتواند داشته باشد.

چون خدا عادل و قدوس است، میباید گناهان ما را جریمه کند.

اما کتابمقدس همچنین میگوید: **"خدا محبت است"** (اول یوحنا ۴:۸ ترجمه قدیم) خدا از گناه متنفر است؛ اما گناهکاران را دوست دارد و میخواهد آنها را ببخشد. چگونه میتوانیم به بخشش او دستیابیم، حال آنکه انجام عدالت او، مرگ روحانی و جسمانی ما را به همراه دارد؟ تنها خدا میتواند این مشکل را حل کند؛ و او اینرا در شخص یشوع (عیسی) مسیح انجام داد. **"... پدر پسر را فرستاد تا نجاتدهنده جهان بشود."** (اول یوحنا ۴:۱۴ ترجمه قدیم)



پسر خدا انسان شد.

باوجودیکه یشوع انسان بود ولی ماهیت الهی خود را نگه داشته بود. **"تنها میتوان خدا را در مسیح یافت چونکه در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است."** (کولسیان ۲:۹ ترجمه قدیم) یشوع مسیح عجیب و یگانه است. اینرا پیوسته کتابمقدس اعلام میکند.

تولدش عجیب و یگانه بود.

او پدر زمینی و جسمانی نداشت. بوسیله قدرت ماورای طبیعی روح القدس، یسوع در بدن باکره ای تولید شد. "فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد." (لوقا ۱:۳۵ ترجمه قدیم)

گفتارش عجیب و یگانه بود.

"آنان (شنوندگان) از تعلیم او در شگفت شدند، زیرا در کلامش اقتدار بود." (لوقا ۴:۳۲ ترجمه هزاره نو)

معجزاتش عجیب و یگانه بودند.

زمانیکه از یسوع دلیل ادعایش را پرسیدند، او آنها را متوجه کارهایی که انجام میداد کرد. "کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود." (متی ۱۱:۵ ترجمه هزاره نو)

تمام زندگیش عجیب و یگانه بود.

زیرا کاهن اعظم (یسوع مسیح) ما چنان نیست که نتواند با ضعفای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند. (عبرانیان ۴:۱۵ ترجمه هزاره نو) این آیه کتابمقدس به ما نشان میدهد که یسوع در مقام انسانی تمام شریعت خدا را انجام داد. نتیجتاً نمیباید جریمه و محکومیت گناه بر او انجام میگرفت. باوجود این بخاطر افترا و گناهکار بودن دستگیر شد. او مطابق سخنان شاهدین دروغگو محکوم و در انتها، بر تپه ای به نام جُلُجُتا مصلوب شد. اما مرگش "تصادفی ناگوار" و یا "شهیدی در راه خدا" نبود. "آن مرد بنا بر مشیت و پیشدانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی‌دینان بر صلیبش کشیده، کشتید." (اعمال ۲:۲۳ ترجمه هزاره نو) پدر پسر را با این هدف به جهان ما فرستاد تا جریمه گناهان تمام بشر را بر خود گیرد و یسوع آگاهانه اینرا انجام داده و این راه را طی کرد. "...او آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی به عوض بسیاری بدهد." (متی ۲۰:۲۸ ترجمه هزاره نو)

مرگش همانند زندگیش عجیب و یگانه بود.

راه نجات در مسیح را، این کلمات کتابمقدس بخوبی بیان میکنند: "زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردهد، بلکه حیات جاویدان یابد." (یوحنا ۳:۱۶ ترجمه هزاره نو)

در ضمن حکایت زندگی یسوع مسیح را میتوانید در کتابمقدس، در چهار کتاب اول انجیل (عهد جدید) بخوانید.

۱۰- محبت خدا آشکار میشود. یشوع (عیسی) بخاطر ما همه چیز را داد.

درباره یشوع بسیار چیزها میتوان گفت. معجزات عجیب او، زندگی نمونه وار او. با وجود همه اینها حکایت مرگ و قیامت که در کتابمقدس آمده اند، سر قله همه آنهاست. چه چیز خاصی در این حکایتها وجود دارد که کتابمقدس اینچنین بر آنها تکیه میکند؟ پاسخ آن در این است که: او حامل گناهان ما شد و بجای ما مُرد تا ما را نجات دهد.

یشوع بجای ما مُرد.

در مقابل چشمان خدا همه گناهکاران محکوم هستند، و بی نجات از دست رفته اند. چون خدا برای هر گناهی جریمه عادلانه ای را مطالبه میکند. باوجود این بجای اینکه ما را محکوم کند، در کتابمقدس درباره نقشه عالی او میخوانیم: **"اما خدا محبت خود را به ما اینگونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد."** (رومان ۵:۸ ترجمه هزاره نو) برای انجام این نقشه نجات الهی، پسر خدا آمادگی خود را اعلام میکند. او بجای ما بر صندلی محکومین دادگاه الهی نشست؛ تا حکم جریمه گناه را بپردازد. **"خود مسیح، یکبار برای همیشه به خاطر گناه بشر مرد، یعنی یک شخص بی گناه در راه گناهکاران مرد تا ما را به حضور خدا بیاورد. او از لحاظ جسم کشته شد اما از لحاظ روح به زندگی خود ادامه داد."** (اول پطرس ۳:۱۸ ترجمه مژده) در اینجا است که خدا محبت خود را به بشر گناهکار و محکوم، نشان میدهد.

یشوع زمانیکه مُرد ، همه گناهان ما را بر خود برداشت.

در اینجا است که قدوسیت خدا نمایان میشود. مرگ مسیح صحنه ی نمایشی نبود. جریمه گناهان مبادی کاملاً پرداخت میشود. یشوع رنج وحشتناکی را تجربه کرد. زمانیکه بر صلیب آویزان بود، فریاد زد: **"الهی، الهی برای چه مرا ترک کرده ای"** (مرقس ۱۵:۳۴) در این لحظه وحشتناک خدای پدر روی خود را از فرزند محبوبش برگردانده بود. او نیز مبادیستی رنج جریمه جدایی را بکشد. زمانیکه یشوع جای ما را گرفت، او مسئولیت تمام گناهان ما را بعهده گرفت. بطوری که گویا او همه گناهان را مرتکب شده است.



یشوع برای نجات ما مرد.

زمانیکه خدا در روز سوم یشوع مسیح را از مردگان بر خیزانید؛ نشان داد که فدیه قربانی پسرش را بطور کامل جهت بخشش گناهان بشر پذیرفته است. " **اما با رستاخیز از میان مردگان، به سبب روح قدوسیت، به مقام پسر قدرتمند خدا معروف شد، یعنی خداوند ما عیسی مسیح.** (رومیان ۱:۴ ترجمه هزاره نو) بدینوسیله بنیادی اساسی برای بخشش کامل همه انسانها قرار داده شد؛ که در غیر این صورت همه محکوم به مرگ ابدی در جهنم میشدند. اما همه اینها چه ربطی با شما دارد؟ چگونه میتوانید با خدا هماهنگ شوید؟ چگونه مسیح نجات دهنده شخصی شما میشود؟

۱۱ - خواست و تصمیم من یافتن نجات

آیا میخواهید نجات بیابید؟

آیا میخواهید با خدا آشتی کنید؟ اگر خدا به شما نشان داده است، که شما نیاز به نجات دارید و میخواهید، او شما را بپذیرد، پس میباید **"...با توبه به سوی خدا بازگردید و به خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورید."** (اعمال ۲۱:۲۰)

بسوی خدا بازگشت کنید (توبه کنید).

در اینجا منظور داشتن دیدگاه نوینی از زندگیست. شما نیاز به دیدی نوین دارید. شما میباید بپذیرید که یک گناهکار هستید و بر ضد خدایی قدوس و پر از محبت، طغیان کرده اید. تغییر قلب نیز لازم است؛ غمگین بودن و خجالت کشیدن بخاطر انجام گناهان. چراکه باید آماده باشید، گناهان خود را ترک کنید تا مسیر جدیدی را آغاز کنید. خدا از ما میخواهد که به سوی او توبه و بازگشت کنیم. **"... در میان غیریهودیان به اعلام این پیام پرداختم که باید توبه کنند و به سوی خدا بازگردند و کرداری شایسته توبه داشته باشند."** (اعمال ۲۶:۲۰ ترجمه هزاره نو)

توبه یعنی مسیر نوینی را آغاز کردن

با تمام قلب و وجود بخواهید، آنگونه زندگی کنید که خدا را پسند آید. این بدان معنیست که با تمام قلب اعتراف کنیم: **"تویی مسیح، (که از طرف خدا بعنوان نجات دهنده فرستاده شده ای) پسر خدای زنده!"** (متی ۱۶:۱۶ ترجمه هزاره نو)



میباید کاملاً به یسوع مسیح، که جان خود را برای شما داد؛ اعتماد کنید. **"هنگامی که هنوز ناتوان بودیم، مسیح در زمان مقتضی به خاطر بی‌دینان (بی‌خدایان) جان داد."** (رومیان ۵:۶ ترجمه هزاره نو)

فکرهای جسمانی

غرور و ذات گناهکار مطمئناً می‌خواهند به شما بقبولانند که می‌توانید به رفتار قابل قبول جامعه اطرافتان (خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو) و انجام مراسم مذهبی اعتماد کنید. اما شما انتخاب دیگری ندارید. شما اجازه ندارید اعتماد خود را بر هیجکس و هیچ چیز دیگری غیر از مسیح بنا کنید؛ چراکه تنها اوست که نجات دهنده شماست. **"پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، جاودانه نجات بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند."** (عبرانیان ۷:۲۵ ترجمه هزاره نو)

آرزوها را به عمل تبدیل کنید.

هر گاه خدا به شما نشان داد که در شما چه چیزی کم است، و چه مانعی مابین رابطه او با شما وجود دارد؛ و این آرزو در شما پدیدار شده است، که خود را تسلیم مسیح بکنید، پس اینکار را همین الآن آنرا انجام دهید! اما این چگونه انجام می‌گیرد؟ در مقابل خدا اعتراف کنید، که شما گناهکار از دست رفته ای هستید؛ و با تمام قلب و وجودتان از مسیح بخواهید شما را نجات دهد. همچنین از مسیح بخواهید تا او وارد قلبتان بشود و خداوند زندگیتان شود؛ بطوریکه بتواند به شما یاری رساند تا گناه را ترک کرده و برای او زندگی کنید.

دعایی صادقانه اینچنین دیده میشود:

خدایا، من فهمیده ام، که که تا کنون بدون تو زندگی کرده ام و بوسیله گناه از تو جدا شده ام. خواهش میکنم گناهانم را ببخش. متشکرم، که یسوع مسیح بجای من مُرد و او از مردگان برخاست. من میخواهم از الآن تو تنها مرکز زندگیم باشی. متشکرم برای محبتت نسبت به من. آمین

خدا به وعده هایش وفادار است.

"اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت." (رومیان ۱۰:۹ ترجمه هزاره نو) کسیکه صادقانه به یسوع مسیح بعنوان نجات دهنده اعتماد کند و در مقام خداوند او را بپذیرد، اجازه دارد این وعده خدا را متعلق به خود بداند.

۱۲- لذت بردن از زندگی تازه اولین قدمها در زندگی مسیحی

حال اگر اعتماد خود را بر یسوع مسیح و کلامش نهاده اید، در چشم خدا انسانی نوین هستید. این واقعه در حقیقت امر، "تولد تازه" ای است. این بدان معنیست که شما از اکنون رابطه کاملاً متفاوتی با خدا دارید. اینرا کتابمقدس "عادل شمرده شدن" مینامد.

حال با خدا آشتی داده شده ایم.

" زیرا اگر هنگامی که دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، چقدر بیشتر اکنون که در آشتی هستیم، به وسیله حیات او نجات خواهیم یافت. " (رومیان ۵:۱۰ ترجمه هزاره نو)

بوسیله مسیح مشکل گناه از بین رفته است.

"جمیع انبیا به او شهادت می‌دهند که هر کسی به او ایمان آورد، به وسیله نام او گناهانش آمرزیده می‌شود." (اعمال ۱۰:۴۳ ترجمه مزده)

حال شما به خانواده الهی تعلق دارید.

"اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند." (یوحنا ۱:۱۲ ترجمه مزده)

زندگی ابدی شما تضمین شده است.

"پس اکنون برای آنان که در مسیح یسوع (عیسی) هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست." (رومیان ۸:۱ ترجمه هزاره نو)

خدا در شخص روح القدس وارد زندگی شما شده است.

"و شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید،

با روح القدس موعود مهر شدید." (افسیان ۱:۱۳ ترجمه هزاره نو) آیا این امر عالی نیست؟ حال میتوانید در زندگی روحانی رشد کنید.



دعا - هر روز با خدا گفتگو کنید.

خدا خوشحال میشود، هر روز با او گفتگو کنید. چون در مقام دوست و پدر آسمانیان هر نکته ای از زندگیتان برایش جالب است. با او درباره خانواده تان، کارتتان، دوستانتان، غصه هایتان صحبت کنید. برای محبت و خوبیهایش از او تشکر کنید و اگر بار دیگر تقصیری مرتکب شدید، از او بخواهید شما را ببخشد. خدا همیشه گوشی باز برای شما دارد؛ او میخواهد شما را ببخشد و در کنار شما باشد. شما هر روزه میتوانید از او بخشش بخواهید؛ چون فرزندان خداوند هم کامل نیستند.

"اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد."

(اول یوحنا ۱:۹ ترجمه هزاره نو)

هرگاه میخواهید دعا کنید، حتماً نباید در زمانی خواص و یا در محل بخصوصی آنرا انجام دهید؛ اگرچه اینها میتوانند به شما کمک کنند تا در محلی آرام وارد آرامش خدا بشوید و صدای او را بشنوید. در دعا خدا میخواهد بخششهایی به شما بدهد، پس مرتب و پیوسته دعا کنید.

کتابمقدس - کلام خدا را بنیاد زندگی خود کنید.

خدا میخواهد به شما آشکار کند که در قلبش چه میگردد. اینرا به روشهای مختلفی انجام میدهد. شما میتوانید، در هنگام خواندن کتابمقدس صدایش را بطور مخصوصی بشنوید. از این راه پیوسته میتوانید بهتر بفهمید، که خدا چگونه است و نقشه عالی او برای زندگیتان چگونه دیده میشود.

"بکوشید تا آنچه خداوند را خشنود می‌سازد، دریابید." (افسیان ۵:۱۰ ترجمه مژده)

بهترین روش این است که با انجیل شروع کنید. مثلاً با انجیل لوقا آغاز کنید. سپس رساله رومیان را بخوانید، چون در آنها هدف و منظور خدا از زندگی ما نوشته شده است. خود روح القدس در هنگام خواندن کلامش شما را هدایت خواهد کرد. در طی زمان متوجه خواهید شد که بیشتر و بیشتر کلامش را میفهمید.

مشارکت - مسیحیانی را پیدا کنید

تا زندگی ایمانی شما را پشتیبانی کنند.

خدا آرزو دارد، که ما همانند جنگجوی تکر و، زندگی را طی نکنیم؛ بلکه با مسیحیان دیگر روبرو شده و رابطه محبتانه ای را با آنها ایجاد کنیم. شما میتوانید از همدیگر بیاموزید، با هم به کلام خدا گوش فرا داده، همدیگر را همراهی کنید و با هم پیام انجیل را به دیگران برسانید.



دوستانان خدا به همدیگر نیاز دارند. بنابراین: عضو کلیسایی بشوید و تجربه کنید، که مشارکت با همفکر و هم ایمان چقدر

مفید و بناکننده است. در آنجا شادی و رغبت پیدا خواهید کرد؛ تا استعدادهایی را که خدا به شما داده است، برای دیگران بکار گیرید. برای خدا این بسیار مهم است؛ زیرا برای این رفتار، او پیامی جدی برای ما دارد؛ که میگوید: **"از جمع شدن با یکدیگر در مجالس کلیسایی غفلت نکنیم چنانکه بعضی‌ها به این عادت کرده‌اند؛ بلکه باید یکدیگر را بیشتر تشویق نماییم، مخصوصاً در این زمان که روز خداوند نزدیک می‌شود."** (عبرانیان ۱۰:۲۵ ترجمه مژده)

خدمت - زندگی تغییر یافته در مسیح را نشان دهید.

"...از خداوند خدایتان بترسید، طریق او را دنبال کنید، او را با تمام دل و جان دوست بدارید و خدمت کنید." (تثنیه ۱۰:۱۲ ترجمه مژده) زندگی خدا پسندانه میباید بالاترین هدف شما باشد. که از آن جمله میتوان بکارگرفتن استعدادهای خاص شما باشند. آنها را در خدمت خدا قرار دهید. **"زیرا ما ساخته دست او هستیم و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکویی را که او قبلاً برای ما مقدر فرمود که انجام دهیم، بجا آوریم."** (افسیان ۲:۱۰ ترجمه مژده) آماده باشید تا به دیگران تعریف کنید، که خداوند برایتان چه کرده است. این نه تنها وظیفه ماست، که اطمینان ما را به خدا نشان میدهد، بلکه تجربه ای شادی آور نیز است. **"شما، نژادی برگزیده و کاهنانی هستید که به پادشاهی رسیده‌اید. شما ملتی مقدس و قوم خاص خدا هستید تا کارها و صفات عالی خدایی که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است، به همه اعلام نمایید."** (اول پطرس ۲:۹ ترجمه مژده)

Impressum

Aktion: In jedes Haus e.V. (AJH)

Hausanschrift:
Telegrafenstr. 25
42477 Radevormwald

Postanschrift:
Postfach 1120
42460 Radevormwald



Telefon: +49 (0)2195-91560

E-Mail: ajh@ajh-info.de

Internet: www.ajh-info.de

Evangelistische Seite: www.entdecke-neues.de

Internationaler Bibelgrundkurs: www.the-good-news.de

Übersetzung:

Pastor Volner Betsayad, Persische Christengemeinde Köln, Frankfurt/ Main
Wilhelm Straße 20
51143 Köln-Porz
Tel.: 0170 2903154
christusproorient@web.de

کوششی برای جویندگان حقیقت و راه نجات از کشیش ولنر بت صیاد

Bildnachweis:

Titelbild: Fotolia-66424228-iordani

Lektion 1: pixabay-804939; Lektion 2: pixabay-787253; Lektion 3: pixabay-113401

Lektion 3: pixabay-419057; Lektion 4: pixabay-430557; Lektion 5: pixabay-764983

Lektion 6: pixabay-665591; Lektion 7: pixabay-58212; Lektion 8: pixabay-169238

Lektion 9: fotolia-66892376-©Romolo Tavani; Lektion 10: fotolia-76972189-©Alberto Masnovi;

Lektion 11: fotolia-82725689-©Gina Sanders; Lektion 12: fotolia-66573128-©vinogradov_il;

Lektion 12: fotolia-78455410-©mariesacha

Copyright © „Aktion: In jedes Haus“, Radevormwald. Sprache: Persisch - Farsi